

تحلیل جامعه‌شناختی اثر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر گرایش به باروری زنان در شهر تهران

سعیده حاج علی^۱

سید محمد سید میرزایی^۲

سید محمدصادق مهدوی^۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۹/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۷

چکیده

هدف این پژوهش مطالعه اثر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر گرایش به باروری در زنان متأهل شهر تهران است. باروری و گرایش به آن از متغیرهای چندوجهی است که در رشته‌های علمی گوناگون به آن پرداخته شده است. در این پژوهش بعد جامعه‌شناختی آن مد نظر قرار گرفته است. این پژوهش بر اساس داده‌های یک پیمایش بر روی ۳۸۴ نفر از زنان متأهل ۲۰ تا ۴۴ ساله شهر تهران صورت گرفته است. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه است. تجزیه تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت گرفته است. متغیر وابسته گرایش به باروری است و متغیرهای مستقل در دو بخش اجتماعی شامل حمایت اجتماعی، فردگرایی، تحصیلات و فرهنگی گرایش به باروری هستند. نتایج نشان می‌دهد که بین متغیرهای اجتماعی و فرهنگی و گرایش به باروری رابطه وجود دارد. همچنین در نتایج رگرسیون مشاهده شد که دینداری ۴۳/۵ درصد، تحصیلات ۲۴/۳ درصد توانسته‌اند بر گرایش به باروری تأثیرگذارند. در تحلیل مسیر نیز متغیر دینداری بیشترین تأثیر و فردگرایی کمترین تأثیر کل را بر گرایش به باروری داشته‌اند.

واژگان کلیدی: گرایش به باروری، حمایت اجتماعی، فردگرایی، تحصیلات.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گروه‌های اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- استاد گروه جمعیت‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

seyedmirzaie@yahoo.com

۳- استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

دگرگونی نهاد خانواده، به‌عنوان هسته بنیادی جامعه، همیشه مورد توجه صاحب‌نظران بوده است. زیرا تغییرات خانواده بر دیگر نهادهای اجتماعی تأثیر می‌گذارد. امروزه در نهاد خانواده تغییرات جمعیت‌شناختی و جامعه‌شناختی شکل گرفته‌اند. منظور از تغییرات جمعیت‌شناختی، تحولاتی است که در میزان باروری زنان، تعداد فرزندان، بعد خانوار، میزان ازدواج، سن ازدواج اتفاق افتاده است. منظور از تغییرات جامعه‌شناختی نیز تحولاتی است که در زمینه نگرش نسبت به تشکیل خانواده و اهمیت نهاد خانواده، روابط اعضای خانواده با هم، ساختار قدرت در خانواده، استقلال زنان بوجود آمده است. جامعه‌شناسان درخصوص تغییرات و دگرگونی‌های بوجود آمده در خانواده، بیشتر به نقش انقلاب صنعتی، مدرنیته و تغییرات ارزشی ناشی از فرآیند مدرنیته اشاره دارد. متغیر وابسته در این تحقیق گرایش به باروری است. باروری یکی از کارکردهای خانواده است که به‌شدت دستخوش تغییر شده است. ایران در چند دهه‌ی اخیر تحولات جمعیت‌شناختی چشمگیری به‌ویژه در زمینه‌ی وضعیت و موقعیت زنان تجربه کرده است. واقعیت این است که نرخ باروری در ایران به‌طور شگفت‌آوری از حدود هفت فرزند برای هر زن در اوایل دهه ۶۰ به ۲/۱ فرزند برای هر زن در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است. این انتقال سریع‌ترین و بیشترین سقوط باروری در جهان است که غیرطبیعی و استثنایی ارزیابی می‌شود (شجاعی و یزدخواستی، ۱۳۹۶: ۱۳۹). در نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ نیز استان تهران جزو سه استانی بوده است که کمترین میزان باروری کل را داشته است. این میزان برای مناطق شهری استان تهران ۱/۵ فرزند بوده است. بر طبق آمار و اسناد موجود، رشد جمعیت در ایران در حال کاهش است. بر طبق اطلاعات مرکز آمار ایران متوسط رشد سالانه جمعیت از ۱/۴۷ درصد در سال‌های ۷۵-۷۰ به ۱/۲۹ درصد در سال‌های ۸۵-۹۰ و در سال ۹۰-۹۵ به ۱/۲۴ درصد رسیده است. بعد خانوار نیز از ۵/۲ در سال ۷۰ به ۳/۵ در سال ۹۰ و در سال ۹۵ به ۳/۳ رسیده است (مرکز آمار ایران، چکیده نتایج سرشماری ۱۳۹۵). اما آنچه بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد سرعت کاهش است که در کشور ما بیشتر دیده می‌شود. ادامه پیدا کردن کاهش رشد جمعیت باعث می‌شود ساختار جمعیت تغییر کند و درصد سالمندان افزایش پیدا کند و در نتیجه این تغییر تبعات اقتصادی و اجتماعی نیز خواهد داشت. سؤال من در این تحقیق هرچند اثر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر گرایش به باروری است ولی آنچه بیشتر اهمیت دارد پیامدهایی است که این پدیده خواهد داشت. تغییرات در ساختار جمعیت بوجود خواهد آورد و روابط اجتماعی را تحت تأثیر قرار خواهد داد. تغییرات ابتدا در ساختار جمعیت است و بعد در اثرات اجتماعی مانند اشتغال و بیکاری و بعد در آسیب‌شناسی اجتماعی است. از فرزندآوری آغاز شده و بر روی بقیه تأثیرگذار شده است.

در تغییر رفتار باروری عوامل متعددی دخیل هستند. عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قطعاً در شکل‌گیری رفتار باروری افراد مؤثر است. باروری زنان ضمن آنکه تابع سیاست‌گذاری‌های مستقیم است

تحلیل جامعه‌شناختی اثر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر گرایش به باروری زنان در شهر تهران . . .

از زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی نیز تأثیر می‌پذیرد. تغییرات باروری در طول سه دهه گذشته در ایران گواه این ادعاست. تغییرات در خانواده همراه و همگام با تغییرات در نرخ باروری نیز بوده است. عوامل مهم اجتماعی و فرهنگی وجود دارد که با بررسی آن می‌توان به برخی دلایل و علل تغییر رفتار باروری دست یافت. عوامل تأثیرگذار دیگری مانند افزایش فردگرایی، دینداری و حمایت اجتماعی نیز از جمله تغییرات مهمی است که با تغییر آن در نظام ارزشی خانواده قطعاً شاهد تغییرات رفتار باروری نیز خواهیم بود. لذا در این تحقیق به بررسی این عوامل می‌پردازیم. یکی از متغیرهای مستقل تحقیق حمایت اجتماعی است. تحقیقات پرمحتوی هم در ادبیات علوم اجتماعی نشان می‌دهد که تعریف حمایت اجتماعی نه روشن و نه قطعی است. در تجزیه و تحلیل از ارتباط بین تئوری و پژوهش مربوط به حمایت اجتماعی هوپسی (۱۹۹۸) اظهار داشت حمایت اجتماعی یک مفهوم چندبعدی است که تعریف و اندازه‌گیری آن مشکل است (ویلیامز، ۲۰۰۵: ۲۶). حمایت اجتماعی در خانواده عبارتست از مجموع کمک‌های ابزاری، عاطفی و اطلاعاتی که فرد از منابع عمده حمایت در خانواده برای ایفای هم‌زمان و موازی نقش‌های شغلی و خانوادگی و کاهش فشار ناشی از آن دریافت می‌کند. هلمر نیز این مفهوم را فعالیتی اجتماعی می‌داند که از طریق آن حرمت ذات فرد در یک رابطه بین شخصی تقویت شده و فرد از طریق کمک‌هایی که از دیگران دریافت می‌کند (عاطفی، ابزاری، شناختی) در برابر فشار روانی محافظت می‌شود (نبوی و شهریاری، ۱۳۹۱: ۴۳). متغیر مستقل دیگر فردگرایی است. فردگرایی به معنای تمایل کنشگر به دنبال کردن اهداف شخصی در مقابل اهداف جمعی است. اهداف شخصی اهدافی هستند که در آن علائق، اهداف، منافع و تمایلات فردی به مراتب مهم‌تر از انتظارات جمع یا تعهدات جمعی می‌باشد. در این وضعیت افراد احساس تعهد ضعیفی نسبت به جمع یا جامعه دارد. در واقع سنجش فردگرایی از مؤلفه‌های ارزش‌های خودخواهانه شامل لذت‌طلبی، کاهش پایبندی به سنت، حسابگری و آرزوهای خودخواهانه، عدم احساس مسئولیت اجتماعی نسبت به خانواده و مردم است (معیدفر و صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۹: ۱۰۲). متغیر مستقل دیگر گرایش به دینداری است. دینداری به بیانی کلی یعنی داشتن اهتمام دینی به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۳۶). هدف کلی پژوهش شناخت عوامل تأثیرگذار در گرایش به باروری زنان است. در راستای این هدف، اهداف زیر نیز مد نظر قرار گرفته است. مطالعه عوامل اجتماعی مؤثر بر باروری شامل تحصیلات، حمایت اجتماعی، فردگرایی و مطالعه عوامل فرهنگی مؤثر بر رفتار باروری شامل رویکردها به مذهب. مجموعه سؤالاتی که در این تحقیق است در سؤال زیر خلاصه شده است. سؤال اصلی و کلی تحقیق این است که عوامل اجتماعی و فرهنگی چگونه بر گرایش به باروری اثرگذارند؟

در زمینه پیشینه تحقیق مطالعاتی در ایران و جهان انجام شده است. در ابتدا به مطالعاتی که در ایران انجام شده است به ترتیب سال اشاره خواهد شد. صادقی و سرایی در موضوع عوامل مؤثر بر گرایش به فرزندآوری بین متغیر حمایت اجتماعی و گرایش به داشتن فرزند دیگر ارتباط معنادار به دست آورده‌اند (صادقی و سرایی، ۱۳۹۵: ۱). مقدس نیز با عنوان فردگرایی و تمایلات فرزندآوری جوانان به این نتیجه رسیده است که فردگرایی تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند (مقدس، ۱۳۹۵: ۱). لطفعلی‌زاده نیز در بررسی نظریه‌های عقلانی و فرهنگی در تبیین اهداف باروری، تغییر کارکرد خانواده و فرزندان، دنیاگرایی، عقل‌گرایی و کاهش نفوذ سنت را دلیل کاهش باروری برمی‌شمارد (لطفعلی‌زاده، ۱۳۹۵). راد و ثوابی باورهای مذهبی را مهمترین عامل در گرایش به باروری زنان می‌دانند (راد و ثوابی، ۱۳۹۴: ۱۲۷). سید میرزایی و ارشدی در موضوع مقایسه تأثیرگذاری ارزش‌های سنتی و مدرن در گرایش به باروری در شهر سنندج به این نتیجه رسیده‌اند که اعتقادات مذهبی بر باروری تأثیرگذار است (سید میرزایی و ارشدی، ۱۳۹۴). اوجاقلو و سرایی نیز در مطالعه تغییرات زمانی ارزش فرزند در ایران به این نتیجه دست یافته‌اند که فردگرایی با ارزش فرزند ارتباط منفی دارد (اوجاقلو و سرایی، ۱۳۹۳: ۲۶۱). شاه‌آبادی و دیگران فردگرایی را به‌عنوان یک متغیر تعیین‌کننده در قصد باروری در زنان نسل جدید شهرستان نیشابور می‌دانند (شاه‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۹). خواجه صالحی در مقاله‌ای نتیجه گرفته است که با افزایش تحصیلات و مشارکت اجتماعی زنان تمایل به فرزندآوری کاهش می‌یابد (خواجه صالحی، ۱۳۹۱: ۱). ادیبی ده و دیگران در بررسی میزان افزایش باروری و عوامل مؤثر بر آن در اندیمشک به این نتیجه رسیده‌اند که میزان تحصیلات زن و مرد رابطه منفی و معکوس با میزان باروری دارد (ادیبی ده و دیگران، ۱۳۹۰). کلانتری و دیگران نیز متغیر گرایش مذهبی را دارای تأثیر فزاینده بر گرایش به فرزندآوری ارزیابی کرده‌اند (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۳). عباسی شوازی و عسکری ندوشن نیز با عنوان تغییرات خانواده و کاهش باروری اظهار داشته‌اند که طی چند دهه اخیر تغییرات سریعی در رفتارها و نگرش‌های باروری رخ داده است. بافت سنتی خانواده آمیزه‌ای از تداوم و تغییر را تجربه کرده است (عباسی شوازی و عسکری ندوشن، ۱۳۸۴: ۲۰۱). به برخی از مطالعات پیشین در جهان نیز به ترتیب سال اشاره خواهیم کرد. فروتن (۲۰۱۴) با عنوان تغییر اجتماعی و پاسخ جمعیتی در ایران، با بررسی تحولات جمعیتی ایران طی دهه‌های گذشته نشان داده است که الگوهای شکل‌بندی خانواده مانند ازدواج و فرزندآوری به میزان زیادی تحت تأثیر زمینه‌ها و الزامات فرهنگی و اجتماعی است. وی به بررسی رابطه بین مذهب، شکل‌بندی خانواده و روندهای اجتماعی در ایران از دیدگاه اجتماعی جمعیت‌شناختی پرداخته است. و ایران را یکی از تجارب خاص در کاهش شدید نرخ تولد که تا به حال در تاریخ بشر تجربه شده، معرفی کرده است. تغییرات اساسی اجتماعی و فرهنگی در طول چند دهه گذشته در ایران، آن را به‌عنوان یک آزمایشگاه بزرگ اجتماعی منحصر به فرد برای تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر تغییرات در ازدواج و

الگوهای باروری ساخته است. در حالیکه تأکید بر تمایز از مطالعه موردی کشور ایران است، این مقاله همچنین شواهد مربوط به بحث‌های طولانی که آیا مذهب و یا عوامل دیگر ناشی شده از مذهب مانند ازدواج زود هنگام، شیوع بالای ازدواج و باروری بالا در آنچه در اصطلاح زمینه اسلامی نامیده می‌شود، توضیح می‌دهند را فراهم می‌کند (فروتن، ۲۰۱۴: ۲۱۹). عباسی شوازی و دیگران توسعه آموزش زنان و همسران آن‌ها نیرومحرکه مهمی برای برابری جنسیتی است که باعث می‌شود زنان بیشتر در معرض نهادها و عقاید مدرن قرار گیرند. همچنین شهرنشینی و به تبع آن هسته‌ای شدن خانواده موجب استقلال بیشتر زوجین و بنابر این افزایش برابری جنسیتی در رابطه‌ی میان آن‌ها می‌گردد که می‌تواند در کاهش باروری مؤثر باشد. مک دونالد استدلال می‌کند که پایگاه زنان درون خانواده می‌تواند به‌طور قابل توجهی تغییر کند. هر چند ممکن است، نقش‌های آن‌ها بیرون از خانه به‌ویژه در رابطه با مشارکت نیروی کار، تغییر کمی داشته باشد. نظریه برابری جنسیتی به‌طور ضمنی بیان می‌کند که قبل از کاهش باروری، تعداد فرزندان زنان، بیشتر از تعدادی است که آن‌ها می‌خواسته‌اند به‌طوری که تقاضای برآورده نشده‌ای برای وسایل جلوگیری وجود دارد. این ادعا با این واقعیت تأیید می‌شود که در همه موارد کاهش باروری، ابتدا خانواده‌های بسیار پرجمعیت ناپدید می‌شوند (عباسی شوازی، مک دونالد و حسینی چاوشی، ۲۰۰۹: ۹-۱۰). چارلز وستف و همکارش به این نتیجه رسیده‌اند که بر اساس اطلاعات رسمی مربوط به مذهب، خاستگاه ملی و دیگر شاخص‌های قومی، باروری زنان مسلمان در سیزده کشور اروپایی بالاتر از زنان سایر کشورها است. داده‌های مختلف اروپایی نشان می‌دهد که نسبت‌های بالاتری از زنان مسلمان ازدواج کرده‌اند و تعهد آنان نسبت به ارزش‌های خانوادگی سنتی بیش‌تر از سایر زنان است. زنان مسلمان مذهبی‌تر از زنان غیر مسلمان هستند و مذهبی بودن به‌طور مستقیم با باروری مرتبط است. در میان زنان مسلمان، مذهبی بودن و تعهد به ارزش‌های خانوادگی برای باروری هم مهم است، در حالیکه در زنان غیر مسلمان مذهبی بسیار مسأله باروری کمتر اهمیت دارد (وستف و فرجکا، ۲۰۰۷: ۷۸۵). جین با عنوان تأثیر تحصیلات زنان روی باروری ساختار رابطه بین آموزش زنان و باروری را بررسی کرده است. براساس داده‌های منتشر شده در گزارش اول کشور از بررسی جهانی باروری برای یازده کشور، به نظر می‌رسد باروری تجمعی زنان تحصیل کرده در مناطق مختلف مشابه بوده است. این تحلیل نشان می‌دهد که پیشرفت در آموزش زنان می‌تواند بر رفتار باروری تأثیر بگذارد حتی بدون تغییرات همزمان در سایر عوامل مانند افزایش فرصت برای مشارکت در نیروی کار در بخش مدرن (جین، ۱۹۸۱: ۵۷۷). در جمع‌بندی پژوهش‌های پیشین مشاهده شد در بخش‌های قبل پژوهش‌هایی در زمینه باروری وجود دارد. که به تأثیرات عوامل اجتماعی و فرهنگی مانند تحصیلات، حمایت اجتماعی، فردگرایی، گرایش به دینداری و غیره بر گرایش به باروری پرداخته شده است. اما در بیش‌تر موارد در حوزه مطالعات جمعیتی است. تفاوت عمده این پژوهش با بقیه موارد در این

است که سعی شده است درباره باروری و گرایش به باروری این مطالعه در حوزه جامعه‌شناسی و بخصوص در حوزه جامعه‌شناسی خانواده انجام گیرد. در این تحقیق باروری در بستر خانواده مورد تحقیق قرار گرفته است. عوامل اجتماعی و فرهنگی بیشتر مورد عنایت قرار گرفته‌اند. باروری موضوعی میان‌رشته‌ای است که عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اثر چندجانبه روی آن دارند و پی‌آمدهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و محیط زیستی قابل توجهی را بوجود می‌آورند.

رفتار باروری در یک جمعیت تابع تعامل میان مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و . . . است. بنابراین چارچوب نظری هدایت‌کننده برای مطالعه در این خصوص نیز باید از تعامل چندین نظریه مرتبط در این زمینه حاصل شده باشد. از سوی دیگر، شاید مطالعه رفتار باروری یک جمعیت به‌طور مستقیم کار ساده‌ای نباشد، اما همچون دیگر رفتارهای اجتماعی و فردی معمولاً توسط مؤلفه‌ها و متغیرهایی قابل تبیین است. قصد باروری یکی از تبیین‌کننده‌های مهم رفتار باروری است (مورگان و دیگران، ۲۰۱۱ به نقل از شاه‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۲). به همین دلیل در این تحقیق از نظریه‌های متنوعی استفاده شده است. در یک تقسیم‌بندی کلی ابتدا نظریه‌ها را به نظریه‌های اجتماعی باروری، نظریات فرهنگی تقسیم‌بندی کرده‌ایم. نظریات نوسازی، حمایت اجتماعی، فردگرایی در بخش اجتماعی دسته‌بندی شده‌اند. با توجه به اینکه نظریه و تحقیق مناسبات تنگاتنگی دارند و مکمل و متمم یکدیگر هستند. نظریه‌ها القاکننده فرضیه‌ها هستند. در زیر به رابطه بین نظریه‌ها و فرضیات تحقیق پرداخته‌ایم. در ابتدا تئوری‌های اجتماعی مرتبط با باروری آورده شده است.

نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر نوسازی بر تحولات خانواده که در نتیجه صنعتی‌شدن و شهرنشینی و افزایش تحصیلات زنان تأکید داشته‌اند. از جمله این تغییرات می‌توان به تغییر خانواده از شکل گسترده به هسته‌ای اشاره کرد. از دیگر تغییرات کاهش تأثیر سنت‌ها بر خانواده است. این تغییرات بی‌شک بر گرایش به باروری که از کارکردهای خانواده است نیز تأثیر خواهد داشت. با افزایش تحصیلات و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، گرایش زنان به باروری نیز کاهش خواهد یافت. در بحث مدرنیته بازاندیشی شده بک نیز اشاره می‌کند که در عصر ماقبل مدرن سرنوشت افراد را محیط خانوادگی و جنسیت تعیین می‌کرد. بر طبق این نظر زنان مجبور بودند که نقش مادری را بپذیرند و تحت چارچوب خانواده و جنسیتشان همواره عمل می‌کردند. لذا یکی از فرضیات تحقیق این است که به‌نظر می‌رسد بین سطح تحصیلات زنان و گرایش به باروری آنان رابطه وجود دارد، با افزایش تحصیلات زنان، گرایش به باروری آنان کاهش می‌یابد.

نظریه‌ها حاکی از این است که زنان در فراهم کردن حمایت اجتماعی بهتر از مردان هستند. ارتباطات اجتماعی با زنان از نظر سلامتی و رفاه از ارتباطات با مردان منافع بیشتری دارد. این نظریه در یک سری مطالعات بر روی دانشجویان هر دو جنس در دانشگاه روچستر حمایت می‌شود. زنان به‌طور متوسط

حمایت اجتماعی بهتری نسبت به مردان فراهم می‌کنند و ما می‌خواهیم بدانیم که چرا و چگونه این چنین است. زنان ظرفیت وسیع‌تری در زمینه ارتباطات دارند (هاوس، ۱۹۸۷: ۱۴۲). بر طبق نظریه‌های مرتبط با حمایت اجتماعی، انواع حمایت‌هایی که از زنان در خانواده می‌شود. می‌تواند در گرایش به باروری آنان تأثیرگذار باشد. رفتارهای حمایتی مانند اظهار علاقه و کمک به انجام کار (مثلاً نگهداری فرزندان در زمان نیاز)، حمایت‌های مالی خانواده و غیره در گرایش به باروری تأثیرگذارند. یکی دیگر از نظریات مکمل حمایت اجتماعی، نظریه لی وین و اسکریم شاو است که بر نقش هنجارهای فرهنگی تأکید می‌کند و معتقدند که عقلانیت فرهنگی است که برای انسان‌ها موقعیت مجاز و غیرمجاز رفتار باروری را تعیین می‌کند. بر همین اساس اگر محیط فرهنگی از طریق خویشاوندان و دوستان زن او را تشویق به داشتن فرزند کند گرایش او به داشتن فرزند بیشتر از زنی است که هیچ تشویقی دریافت نمی‌کند. با توجه به دو نظریه فوق یکی دیگر از فرضیات تحقیق این است که: به نظر می‌رسد بین حمایت اجتماعی از زنان و گرایش به باروری رابطه وجود دارد، با افزایش حمایت اجتماعی از زنان، گرایش به باروری نیز افزایش می‌یابد.

عقاید اولیه از فردگرایی در تئوری‌های سیاسی و اجتماعی شامل عقایدی برای حداکثر رفاه و آزادی افراد بود. در روانشناسی یکی از اولین عملیاتی کردن مفهوم فردگرایی توسط هاف استد بود. کسی که واژه فردگرایی و جمع‌گرایی را برای توصیف اشکال احتمالی ارتباط بین افراد و گروه‌ها که به آن تعلق دارند به کاربرد. این تعریف محدودتر از تعاریف ادبیات فلسفی و سیاسی است (ریالو، ۲۰۰۲: ۱۶۵). در زمینه فردگرایی نظریات فردیناند تونیس و تقسیم‌بندی وی از جوامع به گمین شافت و گزل شافت مطرح است. وی معتقد است در گمین شافت وابستگی به گروه، جمع و اجتماع وجود دارد و مشخصه گزل شافت استقلال و فردگرایی است. دورکیم نیز با تقسیم‌بندی دوگانه تونیس موافق بود. اما در توصیف گزل شافت با تونیس موافق نبود. دورکیم معتقد بود که تونیس فردگرایی را در ستیز با نظم اخلاقی می‌بیند. توماس و زنانیکی نیز بی‌سازمانی خانوادگی را مطالعه کرده‌اند و علت آن را نگرش‌های فردگرایانه در مقابل جمع‌گرایانه جستجو کرده‌اند (معیدفر و صبوری خسرو شاهی، ۱۳۸۹: ۹۹). تریاندیس نیز اشاره می‌کند که یکی از شناخته شده‌ترین الگوهای فرهنگی، جمع‌گرایی و فردگرایی است. رفتار انسان‌ها تحت تأثیر فرهنگی است که در آن رشد می‌یابد. در جوامع فردگرا افراد مستقل هستند و اولویت اهداف شخصی بیش از اهداف گروه است (تریاندیس، ۲۰۰۱: ۹۰۹). هاف استد مدلی از شش بعد از فرهنگ‌های ملی را توصیف کرده است. در مقوله جمع‌گرایی و فردگرایی ده اختلاف را بیان کرده است. وی و همکارانش نمرات شاخص‌های فردگرایی برای ۷۶ کشور را فهرست کرده‌اند. ایشان اظهار داشته‌اند که در کشورهای غربی و توسعه‌یافته فردگرایی غالب است درحالی‌که در کشورهای کمتر توسعه‌یافته و شرقی جمع‌گرایی غالب است و ژاپن موضع میانه‌ای در این زمینه دارد. وی معتقد است در فرهنگ‌های

جمع‌گرا افراد احساس می‌کنند عمیقاً به گروه تعلق دارند و تصمیم گروه بر فرد ارجحیت دارد در حالیکه فرهنگ‌های فردگرا، خود فرد و امیال و احساسات او اهمیت بیشتری دارد (هاف استد، ۲۰۱۱: ۱۱). لنسکی و نولان در کتاب جامعه‌های انسانی به تقسیم‌بندی جوامع پرداخته‌اند وی یکی از علل مهم افت اقتدار سنتی خانواده را مربوط به نگرش‌های دموکراتیک جوامع جدید می‌داند که بیشتر بر حقوق فردی تأکید دارد تا بر مسئولیت‌های گروهی (نولان و لنسکی، ۱۳۹۱: ۴۵۶). گیدنز نیز معتقد است در اوضاع و شرایط جهانی شدن ما به سمت فردگرایی نوینی روبرو هستیم. به‌طور کلی نظریات مرتبط با فردگرایی را می‌توان به دو گروه تقسیم‌بندی کرد. تفسیرهای مثبت و تفسیرهای منفی از فردگرایی. مثلاً دیدگاه اینگلهارت نگرش مثبت به فردگرایی است. در این پژوهش بر جنبه منفی فردگرایی تأکید شده است و فرضیه زیر مطرح گردیده است:

به نظر می‌رسد بین فردگرایی در زنان و گرایش به باروری رابطه وجود دارد. با افزایش فردگرایی در زنان، گرایش به باروری آنان کاهش می‌یابد. در واقع بر طبق این نظریات اگر در خانواده مصالح فردی زن در نظر گرفته شود، گرایش به باروری در آنان کاهش می‌یابد.

نظریه‌پردازان گوناگونی مانند وبر و دورکیم بر اهمیت و نقش دین در کنش‌های اجتماعی تأکید کرده‌اند. هاری آلپرت نیز که پژوهشگر دورکیمی است چهار کارکرد عمده دین را از نظر دورکیم مطرح می‌کند. دین انضباط‌بخش است، دین انسجام‌بخش است، دین حیات‌بخش است. بر طبق نظریه‌های مرتبط با دینداری از نظر رابرتسون اسمیت نیز دین دارای دو کارکرد عمده است. یکی تنظیم‌کننده رفتار فردی و دیگری برانگیزاننده احساس اشتراک و وحدت اجتماعی برای خیر همگان و برای خیر گروه. بنابر این در گرایش به باروری می‌توان نتیجه گرفت که دینداری هم می‌تواند در بعد فردی برای گرایش فرد به فرزندآوری که در دین توصیه شده است مورد توجه قرار گیرد و هم در بعد جمع‌گرایی باعث می‌شود فرد فقط منافع شخصی را در نظر نگیرد و به نوعی از فردگرایی به‌سوی جمع می‌کشد. بنابراین یکی از فرضیات تحقیق این است که: به نظر می‌رسد بین دینداری و گرایش به باروری رابطه وجود دارد، با افزایش دینداری، گرایش به باروری نیز افزایش می‌یابد. فرضیه‌های تحقیق عبارتند از: ۱- به نظر می‌رسد بین سطح تحصیلات زنان و گرایش به باروری رابطه وجود دارد. ۲- به نظر می‌رسد بین حمایت اجتماعی و گرایش به باروری رابطه وجود دارد. ۳- به نظر می‌رسد بین فردگرایی و گرایش به باروری رابطه وجود دارد. ۴- به نظر می‌رسد بین گرایش به دینداری و گرایش به باروری زنان رابطه وجود دارد.

روش

پژوهش حاضر یک بررسی پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش کلیه زنان ۲۰ تا ۴۴ ساله شهر تهران در سال ۱۳۹۶ می‌باشند. که بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد آنان برابر با ۱۳۵۷۸۳۷ نفر

می‌باشد. به منظور تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است و حجم نمونه ۳۸۴ نفر بدست آمد. روش نمونه‌گیری در این تحقیق نمونه‌گیری طبقه‌ای بوده است. نمونه‌گیری طبقه‌ای وقتی به کار می‌رود که جامعه آماری دارای ساخت همگن نباشد. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده گردید. برای سنجش اعتبار ابزار تحقیق از اعتبار صوری (مراجعه به اساتید خبره جامعه‌شناسی) و اعتبار سازه‌ای (استخراج پرسش‌نامه از نظریه‌های مطرح، چارچوب نظری و مدل) کمک گرفتیم. پایایی پرسش‌نامه تحقیق نیز با استفاده از آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت. که با توجه به نتایج، کل پرسشنامه و تک‌تک خرده مقیاس‌های استفاده شده در پرسشنامه (حمایت اجتماعی، فردگرایی و . . .) آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ داشته‌اند. برای سنجش گرایش به باروری هفت گویه در قالب طیف لیکرت به پاسخگویان داده شد مانند مهم‌ترین هدف ازدواج فرزندآوری است. برای سنجش دینداری نیز گویه‌هایی مانند چون در دین اسلام توصیه به فرزندآوری شده است، این مورد برای تصمیم‌گیری من برای بارداری مؤثر است. برای سنجش حمایت اجتماعی گویه‌هایی مانند دوستانم من را به داشتن فرزند تشویق می‌کنند یا من اطمینان دارم در صورت حاملگی یا زایمان از حمایت خانواده و خویشاوندان برخوردار خواهم شد. برای سنجش فردگرایی نیز ده گویه در نظر گرفته شده بود مانند من خیلی به رسوم کاری ندارم، آنچه که دوست داشته باشم انجام می‌دهم. یا در بیشتر مواقع نسبت به وقایع و اتفاقات در جامعه احساس مسئولیت می‌کنم.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی؛ در بخش آمار توصیفی نتایج زیر به دست آمد، میانگین سنی زنان ۳۵/۵ سال و میانگین سنی آنان ۳۶ سال و نما یا مد ۴۰ سال بوده است. محل سکونت پاسخگویان مناطق ۲۲ گانه شهر تهران بوده است. از نظر تعداد فرزندان بیشترین درصد زنان (۴۴/۳) درصد دارای دو فرزند بوده‌اند. اما از بدون فرزند تا هشت فرزند نیز در بین پاسخگویان وجود داشته است. میزان تحصیلات زنان از بیسواد تا فوق لیسانس و بالاتر بوده است که بیشترین درصد (۳۶/۲) درصد از زنان دارای دیپلم بوده‌اند. درباره درآمد خانواده نیز بیشترین درصد (۴۴/۳) درصد از پاسخگویان بین یک تا سه میلیون درآمد ماهیانه داشته‌اند. آماره فراوانی فردگرایی فردگرایی در سه سطح بالا، پایین و متوسط سطح بندی شد و نتایج زیر بدست آمد. بر اساس سؤالات مرتبط با سنجش فردگرایی در پرسش‌نامه بیشترین نمره کسب شده توسط پاسخگویان ۲۸ و کمترین نمره ۶ بوده است. لذا برای تقسیم‌بندی در سه سطح از نظر فردگرایی. با توجه به جهت سؤالات هر چه امتیاز بالاتری کسب می‌کردند یعنی از نظر فردگرایی در سطح بالاتری قرار داشته‌اند. گروه اول پاسخگویانی بوده‌اند که نمره بین ۶ تا ۱۳ کسب کرده‌اند در سطح پایین از نظر فردگرایی قرار داشته‌اند. گروه دوم پاسخگویانی هستند که نمره‌ای بین ۱۴ تا ۲۰ کسب کرده‌اند و در

سطح متوسط از نظر فردگرایی قرار داشته‌اند و گروه سوم نمره ۲۱ تا ۲۸ کسب نموده‌اند و در سطح بالا از نظر فردگرایی قرار گرفته‌اند.

جدول شماره (۱): آماره توزیع فراوانی فردگرایی

سطوح فردگرایی	فراوانی	درصد نسبی	درصد معتبر	درصد تجمعی
۱ سطح پایین فردگرایی	۴۸	۱۲/۵	۱۳/۲	۱۳/۲
۲ سطح متوسط فردگرایی	۲۶۶	۶۹/۳	۷۳/۱	۸۶/۳
۳ سطح بالای فردگرایی	۵۰	۱۳	۱۳/۷	۱۰۰

نتایج نشان می‌دهد بیش‌ترین سطح فردگرایی، فردگرایی در سطح متوسط بوده است با ۶۹ درصد و بعد از آن فردگرایی در سطح بالا با ۱۳ درصد و در آخر فردگرایی در سطح پایین با اختلاف اندکی قرار دارد.

آماره فراوانی دینداری؛ دینداری نیز بر اساس نمرات کسب شده توسط پاسخگویان در سه سطح پایین، بالا و متوسط سطح‌بندی شده است. در جدول زیر نتایج قابل مشاهده است. برای سنجش میزان دینداری نیز سؤالاتی در پرسشنامه طرح شده بود و با توجه به پاسخ‌ها کمترین نمره چهار و بیشترین نمره بیست بوده است. افرادی که نمره چهار تا نه را کسب کرده بودند در سطح پایین از نظر دینداری قرار داده شده‌اند. گروه دوم افرادی که نمره نه تا پانزده را از پاسخ به سؤالات کسب کرده بودند در سطح متوسط از نظر دینداری تقسیم‌بندی شده‌اند. و گروه سوم افرادی بودند که نمره پانزده تا بیست از سؤالات بدست آورده بودند و در سطح بالا از نظر دینداری تقسیم‌بندی شده‌اند.

جدول شماره (۲): آماره توزیع فراوانی گرایش به دینداری

سطوح فردگرایی	فراوانی	درصد نسبی	درصد معتبر	درصد تجمعی
۱ سطح پایین دینداری	۲۹	۷/۶	۷/۸	۷/۶
۲ سطح متوسط دینداری	۱۶۲	۴۲/۲	۴۳/۷	۵۱/۵
۳ سطح بالای دینداری	۱۸۰	۴۶/۹	۴۸/۵	۱۰۰

همان‌طور که می‌بینیم ۷/۶ درصد از نظر دینداری در سطح پایین قابل دسته‌بندی هستند. ۴۲ درصد از نظر دینداری در سطح متوسط هستند.

۴۶ درصد نیز در سطح بالا از نظر دینداری قرار داشته‌اند.

یافته‌های استنباطی؛ در بخش آمار استنباطی ابتدا به آزمون فرضیات پرداختیم که نتایج زیر به‌دست آمده است. اولاً فرضیات ما از نوع رابطه‌ای و جهت دار بوده‌اند و دوم اینکه متغیرهای ما ناپارامتری بوده‌اند. بنابراین این آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده است.

تحلیل جامعه‌شناختی اثر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر گرایش به باروری زنان در شهر تهران . . .

جدول شماره (۳): ضرایب همبستگی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته گرایش به باروری

متغیر مستقل	گرایش به باروری		متغیر وابسته
	ضریب همبستگی اسپیرمن		
	سطح معنادار ۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	
دینداری	۰/۴۹۵		قضاوت آماری
تحصیلات	-۰/۳۲۷		
فردگرایی	-۰/۱۴۲		
حمایت اجتماعی	۰/۰۱۲۸		

با توجه به جدول ۳ مشاهده می‌شود که بین متغیرهای اجتماعی و فرهنگی و گرایش به باروری رابطه آماری معناداری وجود دارد. این رابطه در متغیرهای دینداری و حمایت اجتماعی رابطه‌ای مستقیم و مثبت است. یعنی با افزایش دینداری و حمایت اجتماعی، گرایش به باروری در زنان افزایش می‌یابد و در متغیرهای تحصیلات، فردگرایی، رابطه‌ای منفی و معکوس است. لذا با افزایش تحصیلات، فردگرایی، گرایش به باروری در آنان کاهش می‌یابد.

تحلیل رگرسیون؛ در بخش دوم از آمار استنباطی تحلیل رگرسیون به روش stepwise انجام شده است. در این روش متغیرها یک به یک وارد مدل می‌شوند. که نتایج در دو مدل قابل مشاهده است. مدل اول متغیر دینداری وارد معادله رگرسیونی شده است و در گام دوم متغیر دینداری و تحصیلات وارد شده‌اند. درباره سهم و نقش هر یک از متغیرهای دینداری و تحصیلات با توجه به ضرایب بتا بدست آمده می‌توان گفت متغیر دینداری ۴۴ درصد و متغیر تحصیلات ۲۴ درصد در تبیین متغیر وابسته گرایش به باروری نقش داشته‌اند یعنی ۴۴ درصد از تغییرات متغیر گرایش به باروری وابسته به دینداری است. ۲۴ درصد از تغییرات گرایش به باروری با متغیر تحصیلات قابل تبیین است.

جدول شماره (۴): عناصر اصلی رگرسیون چندمتغیره به روش گام به گام

برای پیش‌بینی متغیر وابسته (گرایش به باروری)

الگو	گام‌ها	متغیرهای پیش‌بین	استاندارد شده Beta	معناداری
گام به گام	۱	دینداری	۰/۴۹۹	۰/۰۰۰
	۲	دینداری	۰/۴۴۰	۰/۰۰۰
		تحصیلات	-۰/۲۴۰	۰/۰۰۰

جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که متغیر دینداری و متغیر تحصیلات در سطح ۹۹ درصد ($sig=0/000$) معنی‌دار می‌باشند. این در حالی است که میزان خطای سایر متغیرها بیشتر از ۰/۰۵ بوده‌اند و به همین دلیل وارد معادله رگرسیونی نشده‌اند. اما قضاوت درباره سهم و نقش هر یک از متغیرهای دینداری و تحصیلات و فردگرایی در تبیین متغیر وابسته را با مقادیر Beta می‌توان بیان کرد. این مقدار در مدل دوم برای متغیر دینداری ۴۴ درصد و برای متغیر تحصیلات ۰/۲۴ درصد است تحلیل مسیر: برای انجام تحلیل مسیر ابتدا براساس فرضیه‌ها و چارچوب نظری، مدل نظری تحقیق را رسم می‌کنیم.



نمودار شماره (۱): مدل نظری تحقیق

سپس با استفاده از روش enter ابتدا مشخص می‌شود که کدام متغیر بیش‌ترین تأثیر را بر متغیر گرایش به باروری دارد.

جدول شماره (۵): ضرایب معادله رگرسیونی تأثیر متغیرهای

مستقل بر گرایش به باروری به روش اینتر

متغیر	سطح معناداری sig	ضریب بتا
تحصیلات	۰/۰۰۰	-۰/۴۳۵
دینداری	۰/۰۰۰	-۰/۲۴۳

با توجه به نتایج متغیر دینداری بیش‌ترین تأثیر را دارد و با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر دینداری، میزان گرایش به باروری ۰/۴۳۵ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. و برعکس کاهش یک انحراف استاندارد در متغیر دینداری، موجب کاهش ۰/۴۳۵ انحراف استاندارد در متغیر گرایش به باروری خواهد شد. در مرحله دوم از تحلیل مسیر متغیر دینداری به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است و تأثیر سایر متغیرها بر آن سنجیده می‌شود. بررسی جدول ضرایب نشان داد که متغیرهای تحصیلات، حمایت اجتماعی و فردگرایی تأثیر آماری معناداری بر متغیر دینداری داشته‌اند. و در این بین، متغیر تحصیلات بیش‌ترین میزان تأثیر را بر دینداری دارد. در مرحله سوم از تحلیل مسیر، متغیر تحصیلات به‌عنوان متغیر وابسته وارد معادله رگرسیونی شده است و نتایج نشان داد که بر تحصیلات متغیری تأثیرگذار نبود. در بخش جمع‌بندی نتایج تحلیل مسیر به دنبال محاسبه تأثیر مستقیم و غیرمستقیم

تحلیل جامعه‌شناختی اثر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر گرایش به باروری زنان در شهر تهران . . .

متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته گرایش به باروری بودیم که متغیرها از این جهت به سه گروه تقسیم می‌شدند. اول: متغیرهایی که فقط به صورت مستقیم بر متغیر گرایش به باروری تأثیر گذاشته‌اند. نتایج حاکی از آن است که متغیر دینداری تنها متغیری است که فقط به صورت مستقیم بر متغیر گرایش به باروری زنان متأهل شهر تهران تأثیرگذار است.

گروه دوم: متغیرهایی که فقط به شکل غیرمستقیم بر متغیر گرایش به باروری تأثیرگذار بودند. متغیرهای حمایت اجتماعی و فردگرایی بوده است. متغیر حمایت اجتماعی با واسطه متغیر دینداری بر روی گرایش به باروری تأثیر گذاشته است. متغیر فردگرایی نیز با واسطه متغیر دینداری بر متغیر گرایش به باروری تأثیر گذاشته است.

گروه سوم: متغیرهایی که هم مستقیم و هم غیرمستقیم بر گرایش به باروری تأثیر داشته‌اند. متغیر تحصیلات بوده است. متغیر تحصیلات علاوه بر تأثیر مستقیم، به صورت غیرمستقیم و با واسطه متغیر دینداری نیز بر روی گرایش به باروری زنان متأهل شهر تهران تأثیر گذاشته است.

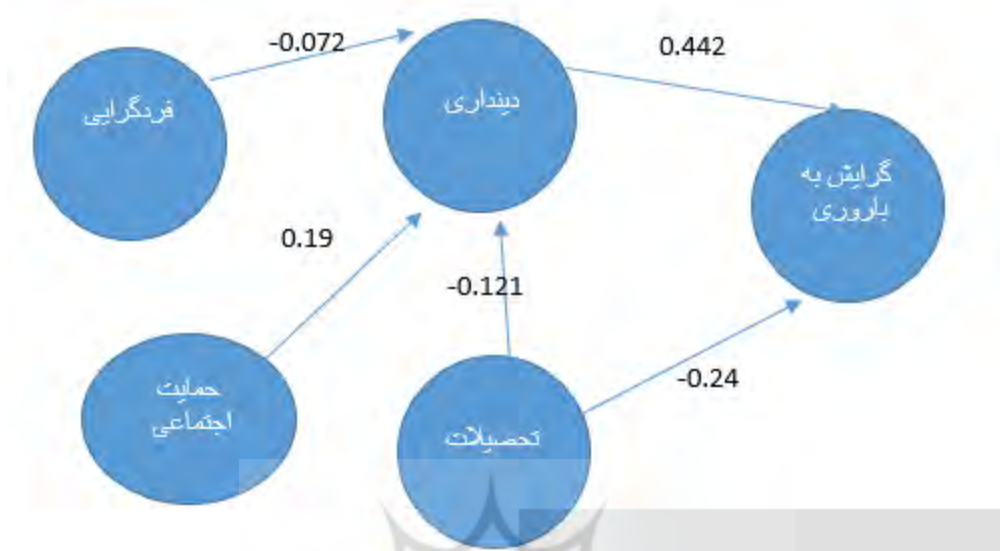
با جمع‌بندی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بر گرایش به باروری به این نتیجه دست یافتیم که متغیر دینداری بیش‌ترین تأثیر کل را بر متغیر گرایش به باروری داشته است و فردگرایی کمترین میزان تأثیر را در گرایش به باروری زنان داشته است. اگر بخواهیم متغیرها را برحسب میزان تأثیرگذاری بر گرایش به باروری مرتب کنیم ۱- متغیر دینداری ۲- تحصیلات ۳- حمایت اجتماعی ۴- فردگرایی.

جدول شماره (۶): مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

متغیر مستقل	اثرات مستقیم	اثرات غیر مستقیم	مجموع
تحصیلات	-۰/۲۴	-۰/۱۲۱	-۰/۳۶۱
دینداری	۰/۴۴۲	ندارد	۰/۴۴۲
حمایت اجتماعی	ندارد	۰/۱۰۹	۰/۱۰۹
فردگرایی	ندارد	-۰/۰۷۲	-۰/۰۷۲

با توجه به جدول فوق بیش‌ترین میزان تأثیر کل را دینداری بر متغیر گرایش به باروری دارد و فردگرایی کمترین تأثیر را دارد.

در پایان نمودار نهایی تحلیل مسیر همراه با ضرایب مسیر نمایش داده شده است.



نمودار شماره (۲): نمودار نهایی تحلیل مسیر همراه با ضرایب مسیر

بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق سعی داشتیم که اثر عوامل اجتماعی، فرهنگی را بر گرایش به باروری زنان تهران بررسی کنیم. برای تحلیل این عوامل از نظریات گوناگونی بهره برده‌ایم و در واقع هر یک از فرضیه‌ها در برخی موارد چندین پشتوانه نظری داشته‌اند در زمینه تحصیلات همانطور که اشاره شد بر طبق نظریه نوسازی با صنعتی‌شدن و شهرنشینی، خانواده نیز تغییراتی کرده است. موقعیت زنان نیز تغییر پیدا کرده است. تحصیلات زنان افزایش یافته است و به تبع آن گرایش به باروری نیز کاهش یافته است.

در بخش عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر گرایش به باروری همانطور که نتایج این تحقیق حاکی از ارتباط بین تحصیلات و گرایش به باروری در زنان است. رابطه تحصیلات و باروری نیز در اکثر پژوهش‌های انجام شده در ایران تأیید شده است (به‌عنوان مثال نگاه کنید به خواجه صالحی ۱۳۹۱، ادیبی ده و دیگران ۱۳۹۰) همچنین آنراک جین ۱۹۸۱ به رابطه بین تحصیلات بر رفتار باروری پرداخته است و خاطرنشان می‌سازد افزایش سطح تحصیلات حتی اگر با افزایش فرصت شغلی همراه نباشد باز بر رفتار باروری تأثیرگذار است.

در تحلیل رابطه حمایت اجتماعی و گرایش به باروری از نظریه لی وین و اسکریم شاو استفاده کردیم و رابطه حمایت اجتماعی و گرایش به باروری در زنان متأهل شهر تهران در این تحقیق به اثبات رسید که با نتایج تحقیق صادقی و سرایی همخوانی دارد.

تحلیل جامعه‌شناختی اثر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر گرایش به باروری زنان در شهر تهران . . .

در زمینه ارتباط فردگرایی با گرایش به باروری که در تحقیق حاضر مورد تأیید قرار گرفت. با تحقیق شاه‌آبادی و سرایی و خلج‌آبادی (۱۳۹۲) که به بررسی نقش فردگرایی در قصد باروری زنان در شرف ازدواج در شهرستان نیشابور پرداخته بودند که نتایج حاصل از تحقیق آنان نشان می‌دهد که فردگرایی به‌عنوان یک متغیر تعیین‌کننده در قصد باروری در زنان نسل جدید ازدواج است. مشابهت دارد و همچنین سعید مقدس (۱۳۹۵) نیز به بررسی فردگرایی و تمایلات فرزندآوری جوانان شهر تهران پرداخته است و نتایج حاصل نشان می‌دهد که فردگرایی یکی از متغیرهایی است که توانسته است متغیر وابسته تمایلات فرزندآوری را تبیین کند که با نتایج تحقیق حاضر مشابهت دارد. در تحقیق سجاد اوجاقلو و سرایی (۱۳۹۳) نیز به اثبات رسیده است که فردگرایی با ارزش فرزند ارتباط منفی دارد.

در بخش عوامل فرهنگی تأثیرگذار بر گرایش به باروری نیز در بررسی تأثیر دینداری بر گرایش به باروری نیز از نظریه‌های هاری آلپرت و رابرتسون اسمیت بهره برده‌ایم و با توجه به نتایج به‌دست آمده از تحقیق در رابطه با متغیر دینداری و ارتباط آن با گرایش به باروری در ابتدا با آزمون فرضیه رابطه معنادار آماری بین متغیر دینداری و گرایش به باروری تأیید شد. برای کشف رابطه علی بین این دو متغیر از رگرسیون استفاده کردیم و در نهایت تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم آن نیز با استفاده از روش تحلیل مسیر شناسایی کردیم. درباره رابطه دینداری و باروری مطالعات پیشین در ایران و جهان وجود دارد که با نتایج به‌دست آمده از این تحقیق مشابهت دارد. درباره مطالعات پیشین در ایران (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۹؛ اوجاقلو و سرایی، ۱۳۹۳؛ راد و ثوابی، ۱۳۹۴) و مطالعات پیشین در جهان نگاه کنید به چارلز وستف (۲۰۰۷) و فروتن (۲۰۱۴) بنابراین در واقع تأثیرگذارترین متغیر بر گرایش به باروری زنان متأهل شهر تهران متغیر دینداری است که با بسیاری از مطالعات پیشین مشابهت دارد.

به‌طور خلاصه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که در تحقیق حاضر رابطه بین دینداری و گرایش به باروری تأیید شده است که این نتیجه با بسیاری از مطالعات پیشین مشابهت دارد. همچنین با توجه به نتایج رگرسیون متغیر دینداری بیشترین مقدار بتا را در تبیین متغیر گرایش به باروری دارد. در بخش تحلیل مسیر نیز نتایج نشان می‌دهد متغیر دینداری بیشترین تأثیرگذاری مستقیم را بر گرایش به باروری داشته است. از دیگر متغیرها که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت و تأیید شد رابطه بین تحصیلات بوده است که نتایج، رابطه معکوس بین این متغیر و گرایش به باروری در زنان را تأیید می‌کند.

متغیر تحصیلات پس از دینداری، بیشترین تأثیر مستقیم و غیرمستقیم (تأثیر کل) را بر گرایش به باروری دارد که این نتایج نیز با برخی از مطالعات پیشین مشابهت دارد و با برخی دیگر مغایرت دارد. حمایت اجتماعی نیز سومین متغیر از نظر تأثیر کل بر متغیر گرایش به باروری بوده است. متغیر فردگرایی نیز رابطه معکوس و منفی با گرایش به باروری داشته است.

با توجه به نتایج برای حل مسأله کاهش باروری و عدم گرایش زنان به باروری باید:

زنان به‌عنوان مهمترین و تأثیرگذارترین عنصر در باروری مورد توجه و عنایت قرار گیرند. در زمینه اشتغال و تحصیلات باید زمینه‌های لازم برای محدود کردن تعارضات بین نقش‌های مختلف زنان صورت گیرد. نمی‌توان با مناسبات قبلی مردسالارانه توقع داشت که زنان هم تحصیل کنند، هم اشتغال به کارهای خارج از خانه داشته باشند و گرایش به باروری نیز وجود داشته باشد. در بحث رابطه بین حمایت اجتماعی و گرایش به باروری نیز باتوجه به نتایج می‌توان انتظار داشت با افزایش حمایت اجتماعی گرایش به باروری نیز افزایش یابد. پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت گرایش به باروری در جوانان این تحقیق برای افراد در معرض ازدواج انجام می‌شود. پیشنهاد می‌شود سنجش گرایش به باروری در بین زوجین انجام شود.

منابع

- Abbasi- Shavazi, M. J, Mc Donald, P and M. Hosseini- Chavoshi. (2009): The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction, London: Springer.
- Forotan, Y, (2014), Social change and demographic response in Iran (1956-2006), British journal of Middle studies, 41, 2,219- 229.
- House, J, (1987), Social support and social structure, sociological forum, 2, 1, 135-146.
- Hofsted, G, (2011), Dimensionalizing cultures: The Hofsted model in context, online reading in psychology and culture, 2, 1
- Jain, A, (1981), "The effect of female education on fertility; A simple explanation, Demography, 18, pp577- 595
- Realo, Anu, Koido, Kati,Ceulemans, Evaand, Allik, Juri (2002), Three components of individualism, European journal of personality, 16: 163-184.
- Triandis, H, (2001), Individulism - collectivism and personality, Journal of personality, 69, 6.
- Westoff, Ch, Frejka T,(2007), "Religiousness and fertility among European muslims" population and development review, 33, pp 785-809.
- Williams, Ph, (2005), What is social support? A grounded theory of social interaction in the context of the new family, Department of public health university of Adelaide.
- Adibideh, M. arjmand siyahpoosh, E. Darvishzadeh, Z. (1390), Survey of fertility increase And the factors affecting it Among the Kurdish clans, Andimashk, Journal of Social Development Studies of Iran, forth year, N1.
- Ojaghlo, S, Saraee, H, (1393), Study of time variations value of a child, Social studies and research in Iran, Volume3, Number 2.
- Khajesalehi, Z, (1391), Investigating the effect of gender equality on women's fertility inclinations, Master's Thesis, University of Tehran.

تحلیل جامعه‌شناختی اثر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر گرایش به باروری زنان در شهر تهران . . .

- Rad, F, Savabi, H, (1394), Study of fertility and related social factors, Female and family studies, Vol. 3, No.1, pp127-155.
- Statistics Center of Iran, Abstract. Results of the census of 1395, <http://w.w.w.amar.org.ir>.
- Seyedmirzaie, M, Arshadi, H.(1394), Comparison of the effect of traditional and modern values on the trend of fertility in two consecutive generations In Sanandaj, Social Studies in Iran, Vol.12, No.2
- Shahabadi, Z. Saraee, H. Khalajabadi farahani, F, (1392), The role of individualism Women's Fertility Intention, Iranian Society of Demography, Vol.8, No.16, pp29-54.
- Shojaei, J, Yazdkhasti, B, (1396), A systematic review of fertility reduction studies in the last two decades. Journal of Strategic Women Studies Journal of the Social Cultural and Social Council of Women and Family, Nineteenth, No. 75, 137-159.
- Shojaezand, A, (1384), A model for measuring religiosity in Iran. Journal of Sociology of Iran. Period VI, No. 1, pp. 34-66.
- Sadeghi, H, Saraee, H, (1395) Effective factors on childbearing Women in Tehran areas 19 , 1, Quarterly Planning for Welfare and Social Development, Seventh year, No. 27.
- Abbasi- Shavazi, M. AskaryNadoshan, A (1384), Fertility changes in Iran, Yazd case study, Social Science Letter, Volume 11, Number 3.
- Kalantari, S, Abaszadeh, M, Aminmozafari, F, Rakeibonab, N, (1389), Sociological study of childbearing tendency and some related factors, Applied Sociology, No. 37, pp 83-104.
- Lotfalizadeh, E. (1395), A study of rational and cultural theories in explaining the goals of fertility, Third International Conference on Psychology, Education and Lifestyle, Torbat Heydarieh University
- Moghadas, S, (1395), Individualism and tendencies Childbirth Youth of Tehran, Master's Thesis, University of Tehran.
- Moidfar, S, Saboorykhosroshahi, H, (1389), The Survey of Individuality in the Family, Social Sciences Research, Forth year, No.4.
- Nabavi, A, Shahriyari, M, (1391), Investigating stressors and social support in the family on family conflicts with work, Journal of Sociology of Iran, Vol. 13, No. 1, 2.
- Nolan, P, Lenski, G, (1391), Human societies, Translation by Naser Movafaghiyan, Tehran: ney.